

Pragmatism22@

کودک شما و مدرسه

انتخاب مهد کودک ۱۷۶

شروع دبستان ۱۷۷

درک دنیای جدید کودک ۱۸۱

رابطه متغیر بین شما و کودک ۱۸۳

کودک شما و مدرسه

اعتقاد ما در انگلستان این است که کودک در سن پنج سالگی برای مدرسه رفتن آمادگی دارد. ولی البته این موضوع در مورد هر کودکی صدق نمی‌کند. برخی از کودکان خیلی زودتر از پنج سالگی برای رفتن به مدرسه آمادگی دارند و بعضی تا یک سال بعد از آن هم آماده نیستند. اگر به نظر می‌رسد کودک شما در پنج سالگی آماده مدرسه رفتن نیست، فقط به این معنی است که با یک سن استاندارد قراردادی هماهنگ نیست، نه اینکه عقب است. اکثر کودکان وقتی در کلاسی قرار می‌گیرند که در آن از درسها و پیشرفتهای سایر کودکان عقب نمی‌افتند، شکوفا می‌شوند. هیچ اشکالی ندارد که یک سال برای رشد به کودک خود مهلت دهید تا مدرسه را کمی دیرتر از همسالانش شروع کند، زیرا اگر وضعیت درسی عالی داشته باشد بسیار خوشحالت‌تر خواهد بود و بهتر عمل خواهد کرد تا وقتی که وضع درسی ضعیفی داشته باشد. مدرسه همیشه می‌تواند صبر کند؛ کودک شما وقتی آماده باشد زمان از دست رفته را با سرعت بسیار زیاد جبران خواهد کرد.

گذراندن دوره پیش دبستانی با بازی برای کودکان طبقات پایین اجتماع نوعی امتیاز محسوب می‌شود (صفحه ۱۶۵ را ببینید) ولی مشخص کردن مزایای دوره پیش دبستانی برای کودکان خانواده‌هایی که از نظر عاطفی و مالی باثبات هستند، مشکل‌تر است. همه قبول دارند که سالهای اولیه زندگی کودک زمان بسیار بااهمیتی برای تعلیم آنان است، ولی بسیاری از کارشناسان بر این عقیده‌اند که کودکان با سرعت مخصوص به خود در منزل بیشترین یادگیری را دارند. آموزش رسمی برای کودکان چهارساله یا پایینتر ممکن است منجر به خستگی آموزشی و احساس زودرس شکست شود.

در یک مهد کودک یا کودکستان خوب، نحوه کار به همان صورت خانه‌ای با یک پدر یا مادر علاقمند و دلسوز می‌باشد، با این فرق که تعداد کودکان بیشتر است و حالت رسمیتی دارد.

به عنوان یک راهنمایی کلی به شما توصیه می‌کنیم که اگر شما و کودکان در محیط منزل خوب پیش می‌روید نیازی به موسسه آمادگی یا پیش دبستانی ندارید. از طرف دیگر اگر کودک شما تمایل دارد از چارچوب منزل بگریزد و همراه کودکان دیگر به بازی و یادگیری بپردازد، احساس طردشدگی نکنید. باید از ترجیحات کودکان و آنچه احساسات آنها به شما می‌گوید پیروی کنید. اگر کودک شما خیلی باهوش باشد، ممکن است احساس کنید که تحریکات خانگی برای او کافی نیست و بدون قرار گرفتن در جمع و برخورداری از آموزشهای رسمیت‌ر، حوصله اش سر می‌رود.

انتخاب مهد کودک

اگر فکر می‌کنید بایستی کودکان وارد مهد کودک یا آمادگی شود، مسئولیت سنگینی بر دوش شماست که در مورد مؤسسات موجود و معلمین آنها، روش تعلیم در هر یک، و رسمیت آنها پرس و جو کنید. برای این امر لازم است حداقل یک بار به عنوان بازدیدکننده، مهد کودک را از نزدیک ببینید و با مدیر یا مربیان یا هر دو گفتگو کنید تا تصویری از محیط و سبک اداره آن به دست آورید. از آنجا که قبل از انتخاب کردن بایستی از چند جای مختلف بازدید کنید، از فهرست صفحه بعد به عنوان راهنمایی برای آنچه که باید به دنبال آن باشید، استفاده کنید.

مربیان

چند مربی دارد؟

آیا به نظر می‌رسد که مربیان کودکان را دوست دارند؟

مربیان چه مقاصد، اهداف و غایتهایی را برای کودکان در نظر دارند؟

تحصیلات آموزشی مربیان در چه حد است؟

تجربه آموزشی مربیان چگونه است؟

آیا مربیان تجربه مادر بودن دارند؟

آیا مربیان خودشان بچه دارند؟

اگر دارند آیا بچه‌هایشان به همان مهد یا آمادگی می‌آیند؟

آیا با مربیان رابطه دوستی دارید؟

آیا از اینکه کودک خود را به دست مهد کودک و مربیان آن بسپارید احساس رضایت می‌کنید؟

محیط و جو کلی

چند کودک در آنجا وجود دارد؟

محیط آن چگونه است؟

آیا جو آرام به نظر می‌رسد یا شلوغ و آشفته است؟

آیا بی‌خطر به نظر می‌رسد؟

آیا سیستم گرم‌کننده مناسب است؟

آیا تلاشی برای جذابیت بخشیدن به محیط موسسه و پیرامون آن به عمل آمده است؟

برنامه آموزشی آن چگونه است، آیا دارای نظم خاصی است و چارچوبی را مهیا می‌کند که در آن امکان مقداری آزادی عمل همراه با برخی فعالیتهای رسمیت و وجود داشته باشد؟

آیا نشانه‌ای از اینکه کودکان از آموزشهای مقدماتی برای خواندن، کار کلاسی، و کتابهای تمرین برخوردار خواهند بود به چشم می‌خورد؟

آیا فکر می‌کنید آنها با بازیها و اسباببازیهای تخیلی موافقاند و آن را تشویق می‌کنند؟

آیا کودکان هر روز امکان بازی کردن در بیرون را پیدا می‌کنند؟

تجهیزات بازی در بیرون چگونه است؟

آیا اثری از دستگاه تلویزیون (که نکته منفی محسوب می‌شود) به چشم می‌خورد؟

آیا کامپیوتر ساده دارند؟ (بهتر است در مورد کودکان خردسال از آن استفاده نکنند)

آیا فعالیتهای هنری مثل وسایل ساده موسیقی، نقاشی، بازی با شن، وسایل آببازی، و لباسهای نمایشی (برای دکربازی و غیره) وجود دارد؟

در طول روز چه مقدار برنامه موسیقی وجود دارد؟

کودک تا چه اندازه امکان گوش دادن به موسیقی از روی نوار، صفحه، یا دیسک را دارد؟

آیا بازیهای آوازخوانی و حرکتی انجام می‌شود؟

شروع دبستان

منصفانه نیست کودک خود را در زمانی که آماده نیست به مدرسه بفرستید. رفتن به مدرسه برای کودک یک واقعه «شتاب‌دهنده» است (صفحه ۸۷ را ببینید) و اگر از آن لذت نبرد به احتمال زیاد احساس طردشدگی خواهد کرد. با آماده ساختن کامل کودک برای مدرسه، می‌توانید بیشترین شانس ممکن را برای لذت بردن از مدرسه به او بدهید. برای اینکه کودک شما از وقتی که در مدرسه می‌گذراند سود ببرد، باید مهارتهای پایه‌ای معینی را قبلاً به دست آورده باشد.

فهرستی از مهارتهایی که باید سعی کنید کودکان قبل از ورود به مدرسه آنها را به دست آورد، در صفحه بعد آمده است.

مهارت‌های اجتماعی

- سایر کودکان او را دوست دارند و می‌پذیرند و در برخورد با مشکلات نه پرخاشگر است و نه مظلوم‌نمایی می‌کند.
- توانایی مشارکت را دارد.
- در کارهای کوچک منزل کمک می‌کند و می‌تواند وظایف ساده را به انجام برساند.
- هنگام بازی با گروه کوچکی از دوستانش کاملاً احساس راحتی می‌کند.
- می‌تواند کارهای شخصی خود مثل شستن و خشک کردن دستهایش را انجام دهد.
- وقتی یک فعالیت جدید پیشنهاد می‌شود، آمادگی مشارکت را دارد.
- وقتی به او دستورالعملی می‌دهید با خشنودی از آن پیروی می‌کند.

مهارت‌های جسمانی

- از عهده‌باز و بسته کردن دکمه‌ها، زیپ‌ها، و بند کفشهایش برمی‌آید.
- می‌تواند بازی‌هایی را که با انگشت انجام می‌شود انجام دهد، قادر است چیزی را با قیچی ببرد، می‌تواند یک سوزن بزرگ و کند را نخ کند، مهره به نخ بکشد، و سایر کارهای کوچک نیازمند مهارت دستها را انجام دهد.
- می‌تواند یک توپ بزرگ را بگیرد و پرتاب کند، هرچند شاید نتواند پرتاب از بالای سر انجام دهد.

- از تعادل کافی برای حرکت کردن بر روی جدول کنار خیابان یا تیر آهن برخوردار است.
- می‌تواند جفت پا بجهد.
- می‌تواند با هر پا چند قدم بجهد.
- بدون دلیل بی‌قرار یا بی‌تفاوت نمی‌شود.
- می‌تواند دست چپ خود را از روی سر به شانه سمت راست برساند و برعکس.

مهارت‌های ذهنی

- می‌تواند راجع به وقایعی که اخیراً رخ داده است به‌طور قابل فهم و تا حدی روان صحبت کند.
- از داستانها لذت می‌برد و قادر است بدون ورجه‌ورجه کردن زیاد، به آنها گوش فرا دهد.
- رنگها را می‌شناسد و نام آنها را می‌داند.
- نام خانوادگی، نشانی، و شماره تلفن منزل خود را می‌داند.
- داستانهای مورد علاقه‌اش را می‌تواند به صورت کلی به یاد آورد.
- از نظر تلفظ لغات، ادای کلمات، و ساختن جملات نسبتاً روان است.
- تعدادی شعر و آواز کودکانه را از بر کرده است.
- از شرکت در آواز خواندن لذت می‌برد، هرچند شاید نتواند نتهای موسیقی را تشخیص دهد.
- به خواندن تمایل دارد و به کتابها و سایر مطالب خواندنی علاقه نشان می‌دهد؛ اگر فقط به داستانهای مصور علاقه داشته باشد نیز کافی است.
- در بازی‌هایی که در منزل با سایر کودکان انجام می‌دهید شرکت می‌کند و وقتی بازی جدیدی انجام می‌شود از دستورالعملها پیروی می‌کند.



چگونه به کودک خود کمک کنیم مدرسه را دوست داشته باشد

در قسمت اعظم سالهای خردسالی، جهت گیری کودک شما به سوی منزل بوده است و اکثر علایق او محدود به نزدیکی یا داخل منزل می باشد. یکی از راههای تشویق کودکان به حداکثر بهره برداری از تمامی فرصتهای یادگیری موجود در مدرسه، افزایش علاقه او به خود مدرسه است. راههای ساده ای برای تقویت نگرش مثبت در کودک نسبت به مدرسه وجود دارد.

کودکان بارآمده در خانواده هایی که والدین آن معتقدند دوران کودکی بایستی یک دوره بی خیالی کامل در زندگی باشد معمولاً از هرگونه فعالیت مشابه کار کردن نفرت دارند. این گونه بچه ها مدرسه را تا جایی که فقط بازی کردن باشد دوست دارند. ولی همینکه به کلاسهای بالاتر می روند و برای انجام تکالیف نیاز به تلاش بیشتر و بیشتری به وجود می آید، به تدریج از مدرسه بدشان می آید. بنابراین نتیجه می گیریم که واداشتن کودک به انجام کارهای ساده، مسئولیت دادن به او، تکیه بر بازیهای تخیلی و خلاق، و دادن تکالیف ساده یادگیری و حافظه ای به کودکان کمک می کند مدرسه را خیلی بیشتر دوست داشته باشد و در آنجا شکوفا شود.

احتمالاً رفتن به کودکستان و آمادگی سازگاری با مدرسه را آسانتر می کند. آنچه مسلم است این است که کودکانی که از نظر جسمی و فکری آمادگی مدرسه رفتن را پیدا کرده اند، نگرش مطلوبتری نسبت به مدرسه دارند تا کودکانی که هیچگونه آمادگی برای نخستین کلاسهای خود ندارند.

نگرش خود شما به یادگیری، آموزش، و مطالعه تأثیر شگرفی بر نگرش کودک شما به مدرسه، دروس مختلف، و آموزگاران دارد. اگر می خواهید کودکان از مدرسه لذت ببرند و حداکثر استفاده را از آن بنمایند، داشتن یک نگرش مثبت کاملاً ضروری است.

پی بردن به جو احساسی مدرسه و تأثیر نوع نگرش آموزگار و نوع انضباط حاکم بر مدرسه از جانب شما حائز اهمیت فراوان است. آموزگاران که با شاگردان خود رابطه خوبی دارند و از انضباط بدون تبعیض و همراه با دموکراسی استفاده می کنند، شاگردان خود را به دوست داشتن مدرسه تشویق می کنند. آموزگاران که از کار خود خسته شده اند، در میان شاگردان نورچشمی دارند، با روش ملال آوری تدریس می کنند، و آنهایی که از نظر اداره وضعیت کلاس یا خیلی مستبد و یا خیلی آسان گیر هستند، تأثیر منفی دارند.

روابط بین آموزگار و شاگرد اهمیت ویژه ای در میزان علاقه کودک به مدرسه دارد. کودکی که با نگرش منفی نسبت به آموزگاران، که در محیط منزل به او منتقل شده است، به مدرسه می آید، احتمال اینکه پیشرفت خوبی داشته باشد بسیار کم است، زیرا نگرش او نسبت به تمام آموزگاران غالباً نامطلوب خواهد بود. در این شرایط احتمال اینکه کودکان مدرسه را دوست داشته باشد اندک است.

کمک در انجام تکالیف مدرسه

تمام والدین تمایل دارند در فعالیتهای مدرسه کودک خود دخالت کنند و در انجام تکالیف مدرسه به کودک خود کمک کنند و او را تشویق نمایند. به اعتقاد ما اگر سعی کنید این کار را به تنهایی و صرفاً با مراجعه به کتابفروشی و خریدن کتابهای آموزشی مناسب سن کودک خود انجام دهید، مرتکب اشتباه شده اید. در این صورت ممکن است از روشهایی استفاده کنید که با روش آموزش کودک در مدرسه تفاوت دارند، و بنابراین منجر به سردرگمی کودک و تأخیر در فهم درسها شود.

بهترین خط مشی این است که با آموزگار کودکان ملاقات کنید و در مورد نوع درسهایی که کودکان می‌خوانند و روش تدریس آنها با او تبادل نظر نمایید.

اگر واقعا به پیشرفت کودکان علاقمند هستید، زمانی را صرف این خواهید کرد که قبل از هر چیز بفهمید کودکان در مدرسه در حال آموختن چه چیزهایی است و از چه روشهایی برای آموزش به او استفاده می‌شود. فقط از این طریق می‌توانید امیدوار باشید که در منزل به تقویت دروسی که کودکان در طول روز در مدرسه فرا می‌گیرند، کمک کنید.

وقتی رابطه خوبی با معلم کودکان ایجاد کردید، پیشنهاد شما برای کمک به تقویت دروس مدرسه در منزل مورد استقبال قرار خواهد گرفت. بایستی از آموزگار پرسید به چه طریق می‌توانید بیشترین کمک را به تقویت آنچه که در مدرسه آموخته می‌شود بکنید.

امکان دارد معلم کودکان از شما دعوت کند به مدرسه بروید و در برخی از کلاسها نظاره‌گر باشید. برخی از مدارس والدین را تشویق می‌کنند در تعلیم کودکان دخیل باشند، بخصوص در مناطقی که گاهی اوقات مدارس دچار کمبود پرسنل هستند.

این نکته هم هست که بسیاری از روشهایی که آموزگاران جدید به کار می‌برند کاملا با روشهایی که برای آموزش خود ما در دوران کودکی به کار می‌رفت فرق دارد، و شما ممکن است مجبور باشید برای فراگیری مهارتهایی که تسلط بر آنها برای کودکان بسیار ساده است یک فرآیند یادگیری جدید را به طور کامل طی کنید. این بهترین وضعیت ممکن است، زیرا شما و کودکان به طور همزمان مشغول یادگیری می‌شوید، تجربیات مشابهی می‌یابید، و همراه با هم در لذت پیشرفت سهیم می‌شوید.

برای اینکه آشنایی کودک شما با کتب تمرین، تجهیزات، و مواد مورد استفاده در مدرسه استمرار یابد، می‌توانید از آموزگار او خواهش کنید برخی از آنها را شبها در اختیار شما بگذارد تا آموزش کودکان تداوم یابد. این کار یادگیری در منزل را برای کودک شما آسان می‌سازد و میزان ناکامی را که ممکن است در برخورد با سوء تفاهمات بین شما و کودکان احساس شود، کاهش می‌دهد.

ایجاد توازن بین تعهدات کودک در منزل و مدرسه

اگر انتظار داشته باشید کودکان به طور ناگهانی با دنیای سریعا در حال گسترش خود سازگاری یابد و خود را با نیازهای مدرسه و خانه مطابقت دهد، فشار زیادی به کودک خود وارد می‌سازید و او را «شتاب‌زده» می‌کنید.

وقتی کودک شما وارد مدرسه شد، نقش شما وساطت، میانجیگری، و متعادل‌سازی است تا به او کمک کنید به نوعی توازن راحت بین خانه و مدرسه دست یابد. اگر می‌خواهید کودکان بیشترین استفاده را از فعالیتهای مدرسه ببرند، محیط خانه باید کم‌زحمت‌تر و آسان‌گیرتر، و در واقع مکانی برای آسایش و پناه آوردن باشد. اما در عین حال کودک می‌تواند به طرق مختلف در فعالیتهای منزل شرکت کند، که سبب تقویت حس مسئولیت‌پذیری، احساس تعلق داشتن به یک گروه، و احساس قابل اعتماد بودن در وی می‌گردد و از این طریق باعث می‌شود احساس استقلال و داشتن موقعیت مهمی در ساختار خانواده به او دست بدهد.

این زمانی است که می‌توان رفتار اجتماعی مثبت، مفید بودن، سازگاری، مهربانی، و ملاحظه‌گری را با دادن پاداشها و امتیازهای محسوس پاسخ گفت. این پاداشها می‌تواند چیزهایی مثل هدایای غیرمنتظره، خرید تنقلات، گردش بردن، و مسافرت‌های کوتاه باشد، ولی راه بسیار بهتری برای پاداش دادن به کودکان این است که علایق او را بشناسید و نقش فعالی در تشویق او به تعقیب آنها ایفا کنید. در آن صورت پاداش شما پاداشی اختصاصی و منطبق با سرگرمیهای دلخواه یا علایق خاص وی خواهد بود.

به‌علاوه با مشارکت مشتاقانه در علایق کودک خود، کمک مؤثری به او می‌کنید تا بیشترین شانس را برای یک زندگی سالم و شاد در آینده داشته باشد.

از سن پنج یا شش سالگی به بعد بچه‌ها به بدن، غذا، بهداشت، و ظاهر خود توجه نشان می‌دهند. تقریباً هر کودکی، چه دختر و چه پسر، به لباسهای خود توجه نشان می‌دهد، بیشتر به این دلیل که لباس علامت تعلق به یک گروه، خواه گروهی از همسالان یا گروهی از افراد همجنس (پسر یا دختر) یا هردو می‌باشد. اگر کودک شما به غذاهای خاصی علاقمند است، می‌توانید او را با مهمان کردن به آن نوع غذا در بیرون از منزل یا تهیه آن نوع غذا در منزل پاداش دهید. اگر کودک شما به تدریج به لباس علاقه نشان می‌دهد، می‌توانید برخی از نیازهای واقعی او را با بیرون بردن او و خریدن یک دست لباس جدید و دادن اجازه انتخاب کل لباسها به خودش، ارضا کنید.

درک دنیای جدید کودک

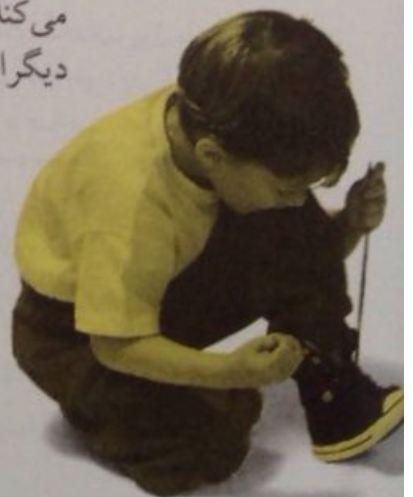
علاوه بر دادن موقعیت مناسبی در داخل منزل به کودک خود، می‌توانید موقعیت او را در خارج از منزل نیز با توجه کردن به نمادهایی که برای بچه‌ها مفهوم و ارزش فوق‌العاده‌ای دارند، ارتقا دهید.

لباس و سایر نمادهای منزلتی

کمتر چیز دیگری می‌تواند به اندازه لباس، نیاز کودک به شاخص بودن را ارضا کند. کودکان خردسال نیاز به استقلال خود را با درآوردن لباسها و تلاش برای پوشیدن آنها بدون کمک دیگران نمایش می‌دهند. کودکان پیش‌دبستانی نیاز خود را با انتخاب لباسهایی که هر روز دوست دارند بپوشند ارضا می‌کنند، و کودکان مدرسه‌ای دسته تشکیل می‌دهند و لباسهایی می‌پوشند که گروه تأیید می‌کند.

انتخاب لباس با تصور کودک از بزرگ شدن تقارن دارد؛ او به تدریج احساس بلوغ می‌کند، و این همان زمانی است که می‌توانید به احساس مسئولیت و ملاحظه‌گری او برای دیگران متوسل شوید.

کودکان از سن خیلی پایین درمی‌یابند که لباس ارزش زیادی از نظر جلب توجه دارد، به‌ویژه اگر خوشرنگ، پر از نشانه‌ها و علائم مختلف، دارای کمر بند و تزئینات دیگر، یا نو باشند. خیلی زود پس از آن می‌آموزند که لباسهایشان نشانه فردیت آنها هستند. چندان طول نمی‌کشد که کودک پنج‌ساله شما می‌فهمد لباسها نماد تعلق به یک گروه نیز هستند، و نیازی را ارضا می‌کنند که هیچیک از ما با بزرگ شدن، آن نیاز را از دست نمی‌دهیم.



در حدود همان سن، کودکان نگرانی فراوانی برای نشان دادن اینکه به جنس مخالف تعلق ندارند از خود نشان می‌دهند و متوجه می‌شوند که لباس بهتر از هر چیز دیگری آنها را از جنس مخالف متمایز می‌کند. لباس همچنین می‌تواند به عنوان نوعی استتار به کودکان خجالتی، کودکانی که همیشه نگران توجه دیگران به خودشان هستند، یا کودکانی که نقص جسمی دارند نیز کمک کند. کودک می‌تواند با آزمون و خطا یاد بگیرد کدام لباسها بهترین تأثیر را بر دیگران دارد، به مقبولیت اجتماعی کمک می‌کند، و بالاخره به بهتر شدن تصور از خود و ایجاد احساس رضایت از خود و ظاهر خود کمک می‌کند.

فشار همسالان و تلویزیون نیز باعث شکل‌گیری افکاری در مورد سایر تعلقات مادی و نشانه‌های منزلتی می‌شود، و کودک شما ممکن است تمایلاتی پیدا کند که شما از آن راضی نباشید. با اینکه هرگز نباید اجازه داد این تمایلات از کنترل خارج شوند یا دامن زده شوند، درک و متعادل نگه داشتن آنها به کودک شما کمک می‌کند راه خود را در دنیایی که ارزشها در آن غالباً تحریف می‌شوند، پیدا کند.



نمادهای منزلتی مشترک در اکثر بچه‌ها

داراییهای مادی

اسباب‌بازیها و وسایل بازی، وسایل ورزشی، لباسها، هر نوع کلکسیون مثل تمبر، صدف، کتاب، مجلات مصور

داراییهای خانوادگی

خانه زیبا با اتاق بازی، زمین چمن بزرگ، اتومبیل یا اتومبیلهای زیبا

محبوبیت در بین همسالان

تعداد زیادی همبازی و دوست، بخصوص دوستهایی که در گروه همسالان از محبوبیت بالایی برخوردار باشند

موفقیت ورزشی

موفقیت در بازیها و ورزشها در هر سنی

موفقیت تحصیلی

توانایی خوب خواندن، و در بین بچه‌های بزرگتر، نمرات درسی خوب

شغل والدین

شغل شما بخصوص اگر دارای وجهه خوب اجتماعی باشد یا جنبه تخصصی داشته باشد می‌تواند سبب منزلت کودکی شما شود.

نقش رهبری

ایفای نقش رهبری توسط کودک یا والدین در امور شغلی یا اجتماعی یک نماد منزلت و تشخیص برای تمام خانواده است.

خودمختاری

آزادی داشتن برای انجام آنچه که می‌خواهند و هر وقت که می‌خواهند. این نماد منزلت در کودکانی که توسط والدین بیش از حد آزاداندیش تربیت شده‌اند بیشتر دیده می‌شود.

پول خرج کردن

داشتن مقدار زیادی پول، صرف نظر از منبع آن، همیشه همسالان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پول به دست آوردن

کودکی که از راه انجام کارهای مختلف پول به دست می‌آورد، رفتاری دارد که گویی از همسالان خود بزرگتر است و بنابراین موقعیت شخصیتی یک فرد صاحب درآمد را دارا می‌باشد.

مسافرت

به نظر می‌رسد هرچه کودکان بیشتر و دورتر از منزل سفر کنند، بخصوص با هواپیما، منزلت آنها نزد همسالان بیشتر است.

رابطه در حال تغییر بین شما و کودکتان

تغییر اساسی که در رابطه بین شما و کودک بزرگ شده شما رخ می‌دهد، از دست دادن تسلط روی اوست؛ به تدریج مهار از دست شما خارج می‌شود و او سلطه پیدا می‌کند. شما زور را کنار می‌گذارید، شانه به شانه او حرکت می‌کنید تا از درستی حرکت او و خوبی وضعیت او اطمینان حاصل کنید، و آنگاه همچنانکه او به تنهایی سرعت می‌گیرد، هرچه بیشتر از او عقب می‌مانید.

بنابراین شما با درجات مختلفی از ناراحتی و شادمانی، بسیاری از نقشهای خود را از دست می‌دهید و مجبورید واقعیت از دست دادن مسئولیت، اقتدار، رتبه، و حمایتگری خود و نقش خود به عنوان سرآشپز و ظرفشوی، پول‌دهنده، وقت‌نگهدار، تصمیم‌گیرنده، و داوری برای انتخاب دوستان و فعالیتها، را بپذیرید.

یاری کردن به فرزند خود در جهت استقلال

شما به تدریج از حق انتخاب برای کودک خود در تمام زمینه‌های زندگی او محروم می‌شوید، و باید اجازه دهید ضمن به عهده گرفتن مسئولیت اعمال خود، و نتایج آنها، از قدرت انتخاب خودش استفاده کند.

در سن شش سالگی کودک قادر است از عهده بسیاری از نیازهای شخصی و بهداشتی خود برآید، او پوشیدن و درآوردن لباسهایش و حمام کردن را خودش انجام می‌دهد و احتمالاً فقط برای شستن موهایش به کمک احتیاج دارد. او بایستی بتواند از کتابهای درسی، کیف مدرسه، و وسایل ورزشی خود نگهداری کند. در سن هفت یا هشت سالگی کودک شما می‌تواند حتی در شستن لباسها و سایر کارهایی که به نیازهای خودش مربوط می‌شود، کمک کند. او می‌تواند اتاق خود را نیز مرتب نگه دارد و دوست دارد وضعیت خاصی به آن بدهد.

در هشت سالگی کودکتان تمایل دارد لباسها و بسیاری از فعالیتهای فوق برنامه‌اش را خود انتخاب نماید، و شما باید به ترجیحات او توجه کنید. همچنین او به حدی رسیده است که بتواند پول توجیبی دریافت کند، از آن مراقبت کند، و آزادی عمل وسیعی از نظر تصمیم‌گیری در مورد چگونگی خرج کردن آن به او داده شود.

در تمام این مدت، اقتدار شما کمرنگ می‌شود و شما باید از اینکه فرزندی دارید که قادر است به تنهایی فکر کند و استقلال خود را ابراز کند خوشحال باشید و دائماً سعی نکنید جلوی او را بگیرید. در سن نه یا ده سالگی تمام کودکان باید از حق اظهار نظر مساوی در خانواده برخوردار باشند و به نظرات آنها گوش فرا داده شود؛ همواره باید به احساسات، آرزوها، و تمایلات آنها توجه کرد. آنها باید در هر تصمیم‌گیری که مربوط به خودشان است دخیل باشند، و شما اجازه ندارید از موقعیت برتر خود سوء استفاده کنید.

اولین باری را که یکی از پسرانم، که آن موقع ۱۲ ساله بود، با شیوه‌ای منطقی از موضع خود در مقابل من دفاع کرد خوب به یاد دارم. زبان من از خوشحالی بند آمده بود و به او گفتم هر وقت چنین عالی از منطق استفاده کند، تقریباً به طور قطع هرچه را که بخواهد، بدون توجه به خواستههای من به دست خواهد آورد. این نتیجه فرآیند بلند مدتی بود که از وقتی او در حدود چهار سال داشت آغاز شده بود. از آن موقع به تدریج پسر من را تشویق می‌کردم به من نشان دهد تا چه اندازه احساس مسئولیت می‌کند و قدم به قدم درباره آزادیها، امتیازات، و اختیارات خود تبادل نظر کند.

بعد از اینکه کودک وظیفه عظیم مراقبت از خود در مدرسه را به عهده گرفت، حمایت مفرط از او غیر منصفانه خواهد بود. بیشتر والدین نمی دانند کودکانشان تا چه اندازه می توانند مستقل باشند و چه موقعیتهای دشواری را می توانند به تنهایی اداره کنند. بسیاری از دختران شش ساله از برادران و خواهران کوچکتر خود نگهداری می کنند و بسیاری از پسران هفت ساله روزنامه فروشی می کنند. حمایتگری مفرط فقط تمایل کودک شما برای استقلال و توانایی مسئولیت پذیری را در او سرکوب می کند. محصور بودن در چارچوب خانه می تواند هرگونه شانس کودک شما برای تحقق توان فردی خود را از بین ببرد.

به تدریج که کودک شما بزرگتر می شود، دلیلی وجود ندارد که شما تنها آشپز یا نظافتگر منزل باشید. می توانید طرز تهیه غذاهای ساده را به کودکان بیاموزید؛ اغلب حتی پسرها به این کار علاقه دارند. به تدریج که فرزندان بزرگتر می شود، ممکن است حتی بخواهد برای کل اعضای خانواده غذا درست کند، و شاید آشپز قابلی هم بشود. کودک شما بایستی در نظافت اتاق خودش و البته پاکیزه نگهداشتن آن نیز مشارکت داشته باشد، هرچند وسواسی بودن شما در مورد تمیز و پاکیزه بودن اتاق کودک اثر عکس روی او خواهد داشت.

تشویق به تصمیم گیری

به تدریج که کودکان مستقل می شود دیگر نمی توانید دائما به ساعت نگاه کنید و وقت نگهدار باشید؛ او باید بتواند تصمیم بگیرد چه مقدار زمان را برای بودن با دوستان خود، یا خواندن کتاب، یا گوش کردن به موسیقی، البته در چارچوبهای پذیرفته شده، صرف کند. هر قدر بیشتر به فرزندان مسئولیت بدهید، مسئولیت پذیرتر خواهد شد.

وقتی پای آزادیهای فردی به میان می آید درخواهید یافت که هر قدر آزادی عمل بیشتری به فرزندان بدهید (مشروط بر اینکه همیشه با تلفن و غیره به شما اطلاع دهند که کجا هستند، زمان بازگشت خود را بگویند، و بگویند آیا می خواهند دنبال آنها بروید یا خیر)، آنها نیز به تدریج به صورت مسئولانه تری عمل خواهند کرد، و این امر به نوبه خود موجب کسب آزادی بیشتری برایشان می شود زیرا به آنها اعتماد پیدا می کنید. باید این موضوع را به آنها بگویید. هر وقت به توافقی که کرده اید پای بند بودند، امتیاز بیشتری به آنها بدهید. به این ترتیب دوجانبه بودن قرارداد فیما بین برای آنها جا می افتد.

البته، آزادی و استقلال به انتخاب دوستان نیز تعمیم می یابد. شما نمی توانید دوستان فرزندان را انتخاب کنید، و اگر چنین کنید در مقابل شما خواهد ایستاد. اظهار مخالفت فکر خوبی نیست، مگر اینکه فرزندان واقعا مشغول و لگردی با رفقای ناباب باشد، که در آن صورت حتما باید پافشاری کنید. مخالفت کردن با یک دوست خاص صرفا کودک را به سوی او سوق می دهد و باعث می شود فرزندان مخفی کاری کند. فکر خیلی بهتر این است که به فرزند خود بگویید دوستش را به منزل دعوت کند تا او را بهتر بشناسید. شاید دوست او خیلی بهتر از آنچه شما فکر می کردید باشد. به این ترتیب فرزندان آزادمنشی شما را احساس می کند و نسبت به مواضع دلسوزانه شما واکنش مثبت نشان می دهد، و در نتیجه آمادگی بیشتری برای تبادل نظر و متقاعد شدن پیدا می کند.